

## بیت المقدس، نبرد سرنوشت‌ساز، اقامه خلافت موعود

### (ترجمه)

الله سبحانه و تعالی تمامی مخلوقات را آفرید و هرکس را که خواست بر دیگران برتری بخشید. او زمین را آفرید و بیت المقدس و اطراف آن را به عنوان سرزمینی مبارک برگزید و آن را میراث پیامبران و صالحان از بندگانش قرار داد. بیت المقدس و اطراف آن در طول تاریخ در عهد پیامبران صلوات الله علیهم، منزلگاه بزرگ ایمانی و پاداشی برای صبر و استقامت بر حق بوده است. همین ویژگی برای رسول الله صلی الله علیه و سلم، مؤمنان صادق همراه ایشان و همچنین برای کسانی که پس از او آمده‌اند، نیز وجود داشته است.

حق تعالی، بنی اسرائیل را به اسکان دادن شان در بیت المقدس، به دلیل صبر و یقین آن‌ها به آیات الله سبحانه و تعالی، آیتی که موسی علیه السلام برای شان آورده بود، اکرام نموده بود، چنانچه می‌فرماید:

﴿وَأَوْرَثْنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضْعَفُونَ مَشْرِقَ الْأَرْضِ وَمغربَهَا أَلَّتِي بَرَكْنَا فِيهَا وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ الْحُسْنَىٰ عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ بِمَا صَبَرُوا وَدَمَرْنَا مَا كَانَ يَصْنَعُ فِرْعَوْنُ وَقَوْمُهُ وَمَا كَانُوا يَعْرِشُونَ﴾ [اعراف: ۱۳۷]

ترجمه: و مشرق‌ها و مغرب‌های پر برکت زمین را به آن قوم به ضعف کشانده شده (زیر زنجیر ظلم و ستم)، واگذار کردیم و وعده نیک پروردگارت بر بنی اسرائیل، بخاطر صبر و استقامتی که به خرج دادند، تحقق یافت؛ و آنچه فرعون و فرعونیان (از کاخ‌های مجلل) می‌ساختند، و آنچه از باغ‌های داربست‌دار فراهم ساخته بودند، در هم کوبیدیم!

و همچنین لوط و ابراهیم علیهما السلام را به دلیل استقامت شان بر حق و ایمان، با اسکان دادن در بیت المقدس مورد تکریم قرار داد. الله سبحانه و تعالی چنین می‌فرماید:

﴿قُلْنَا يَا نُؤُوسُ ابْنَ كَعْبٍ اتَّبِعْنَا قَوْمَكَ يَوْمَ نَسْفَعُ عَنَّا أُولَئِكَ الْأُولَئِكَ الَّذِينَ يَصِفُونَ ﴿٦٩﴾ وَأَزَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَخْسَرِينَ ﴿٧٠﴾ وَنَجَّيْنَاهُ لُوطًا إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَرَكْنَا فِيهَا لِلْعَالَمِينَ﴾ [انبیاء: ۶۹-۷۱]

ترجمه: (سرانجام او را به آتش افکندند؛ ولی ما) گفتیم: ای آتش! بر ابراهیم سرد و سالم باش! آن‌ها می‌خواستند ابراهیم را با این نقشه نابود کنند؛ ولی ما آن‌ها را زیانکارترین مردم قرار دادیم! و او و لوط را به سرزمین (شام) -که آن را برای همه جهانیان پربرکت ساختیم- نجات دادیم!

هنگامی که رسالت اسلام آغاز شد، حق تعالی رسول الله صلی الله علیه و سلم را با سفر معراج، از مسجد الحرام به مسجد الاقصی در بیت المقدس و سپس به آسمان‌های دور و مرتفع گرامی داشت. بیت المقدس برای ایشان منزلگاه ایمانی بود تا نشانه‌های بزرگ قدرت پروردگارش را مشاهده کند و پاداشی برای صبر و استقامت او در برابر چالش‌های جاهلیت نخستین باشد. الله سبحانه و تعالی چنین می‌فرماید:

﴿سُبْحٰنَ الَّذِي اَسْرٰى بِعَبْدِهٖ لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ اِلَى الْمَسْجِدِ الْاَقْصَا الَّذِي بَرَكْنَا حَوْلَهٗ لِنُرِيَهُ مِنْ ءَايٰتِنَا اِنَّهٗ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾ [اسراء: ۱]

ترجمه: پاک و منزّه است کسی که بنده‌اش را در یک شب، از مسجد الحرام به مسجد الاقصی که گرداگردش را پربرکت ساخته‌ایم برد، تا برخی از نشانه‌های قدرت خود را به او نشان دهیم؛ چرا که او شنوا و بیناست.

سپس الله سبحانه و تعالی مسلمانان را در دوران خلافت رانده، که توسط صحابه رسول الله صلی الله علیه و سلم اداره می‌شد، گرامی داشت و آنان را با فتح بیت المقدس و اطراف آن، سرزمین مقدس بیت المقدس، مورد عنایت قرار داد. این فتح به دلیل

استقامت آن‌ها بر حق، اخلاص در دین پروردگارشان و جهاد در راه او بود، بدون اینکه از سرزنش هیچ سرزنش‌کننده‌ای در راه الله سبحانه هراس داشته باشند. آنان شایسته دریافت این پاداش الهی یعنی سرزمین مقدس الله سبحانه و تعالی به‌عنوان جایزه‌ای برای استقامت‌شان بودند.

در آخرالزمان، الله تبارک و تعالی خبر داده است که بیت‌المقدس به‌عنوان پاداشی برای مؤمنان مخلص خواهد بود، از طریق برپایی دولت خلافت موعود که در بیت‌المقدس استقرار خواهد یافت. چنان‌که در حدیث حذیفه بن یمان از رسول الله صلی الله علیه و سلم چنین روایت شده است:

### «ثُمَّ تَكُونُ خِلَافَةً عَلَىٰ مِنْهَاجِ النَّبُوَّةِ»

ترجمه: سپس خلافتی بر منهج نبوت خواهد بود.

همچنین در حدیثی دیگر، رسول الله صلی الله علیه و سلم مکان استقرار خلافت را مشخص کرده و چنین فرموده است:

«يَا بَنَ حَوَالَةَ، إِذَا رَأَيْتَ الْخِلَافَةَ قَدْ نَزَلَتْ الْأَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ فَقَدْ دَنَتْ الزَّلَازِلُ وَالْبَلَايَا وَالْأُمُورُ الْعِظَامُ، وَالسَّاعَةُ يَوْمَئِذٍ أَقْرَبُ إِلَى النَّاسِ مِنْ يَدَيِّ هَذِهِ مِنْ رَأْسِكَ» (رواه أحمد في مسند)

ترجمه: ای ابن حواله! هنگامی که دیدی خلافت در سرزمین مقدس مستقر شده است، بدان که زلزله‌ها، بلاها، و امور عظیم نزدیک شده‌اند، و در آن روز قیامت به مردم از دست من به سر تو نزدیکتر خواهد بود.

ابن عساکر در کتاب تاریخ خود حدیثی مرفوع از پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم نقل کرده است که ایشان چنین فرمودند:

«هَذَا الْأَمْرُ كَائِنًا بِالْمَدِينَةِ، ثُمَّ بِالشَّامِ، ثُمَّ بِالْجَزِيرَةِ، ثُمَّ بِالعِرَاقِ، ثُمَّ بِالْمَدِينَةِ، ثُمَّ بِبَيْتِ الْمُقَدَّسِ، فَإِذَا كَانَتْ بِبَيْتِ الْمُقَدَّسِ فَتَمَّ عَقْرُ دَارِهَا، وَلَا يَخْرُجُ مِنْ قَوْمٍ فَيَعُودُ إِلَيْهِمْ» «والمدينة هي القسطنطينية نسبة إلى حديث المصطفى صلى الله عليه وسلم: أَيُّ الْمَدِينَتَيْنِ تُفْتَحُ أَوْلَى؛ فَسُطْنُطِينِيَّةٌ أَوْ رُومِيَّةٌ؟ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَدِينَةُ هِرَقْلٍ تُفْتَحُ أَوْلَى، يَعْنِي فَسُطْنُطِينِيَّةً» (رواه أحمد)

ترجمه: این امر (مقر دولت اسلامی) ابتدا در مدینه خواهد بود، سپس در شام، بعد در جزیره، سپس در عراق، دوباره در مدینه، و در نهایت در بیت‌المقدس و زمانی که در بیت‌المقدس باشد، آنجا مقر نهایی آن خواهد بود و از هیچ قومی خارج نمی‌شود تا دوباره به آن‌ها بازگردد. منظور از «مدینه» قسطنطنیه است، که به حدیث رسول الله صلی الله علیه و سلم اشاره دارد: «کدام یک از دو شهر ابتدا فتح خواهد شد، قسطنطنیه یا رومیه؟» رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند: «شهر هرقل (قیصر روم) ابتدا فتح خواهد شد، یعنی قسطنطنیه.»

در آیات سوره اسراء، بشارتی به چشم می‌خورد که ما آن را با «چشم یقین» در غزه هاشم مشاهده می‌کنیم؛ بشارتی که گواه بر زوال یهود از بیت‌المقدس است و بازگشت مؤمنان به مسجدالاقصی، همان‌گونه که در نخستین بار، در دوران خلافت راشد صحابه رسول الله صلی الله علیه و سلم، وارد آن شدند. الله سبحانه و تعالی چنین می‌فرماید:

﴿إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ لِيَسُؤُوا وُجُوهَكُمْ وَلِيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَلِيُتَبِّرُوا مَا عَلَوْا تَتَبِّرًا﴾ [اسراء: 7]

ترجمه: اگر نیکی کنید، به خودتان نیکی می‌کنید؛ و اگر بدی کنید باز هم به خود می‌کنید و هنگامی که وعده دوم فرا رسد، (آنچنان دشمن بر شما سخت خواهد گرفت که) آثار غم و اندوه در صورت‌های‌تان ظاهر می‌شود؛ و داخل مسجد (الاقصی) می‌شوند همان گونه که بار اول وارد شدند؛ و آنچه را زیر سلطه خود می‌گیرند، در هم می‌کوبند.

این آیه حامل بشارتی است که آن عبارت از بیت‌المقدس به حیث پاداشی برای مؤمنان در این دوران، با برپایی خلافت راشد دوم است؛ خلافتی که ظهور آن بسیار نزدیک شده و به فاصله‌ای یک قدمی قرار دارد. میان نبرد سرنوشت‌ساز و اقامه دولت خلافت موعود تنها یک گام باقی مانده است، و آن تصمیم‌گیری صاحبان قدرت برای بیعت با حاکمیت اسلامی است. بهراستی، یک روز زندگی تحت سایه خلافت بر منهج نبوت کافی است تا تمام رنج‌ها و سختی‌ها در یک لحظه از بین بروند.

شایسته است یادآوری شود که خلافت راشد موعود تنها یک وعده جدای از تکلیف و مسئولیت در قبال آن نیست، هرگز! بلکه این خلافت یک فریضه بزرگ و تاج همه فرائض است و قضیه‌ای سرنوشت‌ساز برای مسلمانان بوده و در رأس امور برجسته و والای امت اسلامی قرار دارد!

دشمنان ما از تجربه گذشته به اهمیت دولت خلافت نزد مسلمانان پی برده‌اند؛ به همین دلیل تمام توان و حیل‌های خود را برای نابودی آن به کار گرفتند و موفق شدند در 3 مارچ 1924م، خلافت را سرنگون کنند. این اقدام ممکن نمی‌شد اگر خیانت‌کاران عرب و ترک و همچنین رکود و جمود فکری که از اواسط قرن هجدهم میلادی گریبانگیر امت شده بود، وجود نداشت. این رکود فکری زمینه را برای بازی‌گری مزدوران و فریب دادن احساسات امت فراهم کرد و این فریب‌ها چنان ادامه یافت که غیبت خلافت طولانی شد. این رکود فکری، تفکر بسیاری از فرزندان امت را، چه در سطح افراد و چه در سطح گروه‌ها، تضعیف کرد؛ چه رسد به رژیم‌های وابسته و حکام مزدور که بیشترین نقش را در گمراهی امت ایفا کردند، چرا که آن‌ها مطیع اربابان‌شان، یعنی رهبران کفر، بودند. الله سبحانه و تعالی چنین می‌فرماید:

﴿يُرِيدُونَ لِيُطْفَؤُا نُّورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِۦٓ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ﴾ [صف: ۸]

ترجمه: آنان می‌خواهند نور الله را با دهان خود خاموش سازند؛ ولی الله نور خود را کامل می‌کند هر چند کافران خوش نداشته باشند!

بدون شک می‌توان گفت؛ پروژه‌ای که رسول الله صلی الله علیه وسلم بنیانش را نهاد، هرگز نابودشدنی نیست! آیا خبر حزب‌التحریر را شنیده‌اید؟ حزبی که طریقه رسول الله صلی الله علیه وسلم را برای برپایی دولت موعود خلافت در این زمان دنبال کرده و پروژه آن را آماده ساخته است؟ آیا خبر این حزب مُجَدِّد به شما رسیده است؟ حزبی که نخستین بار در سال 1953م در بیت‌المقدس، سرزمین مبارک فلسطین، پایه‌گذاری شد. حزبی که همواره در دعوت خود شفاف، در ایده و افکارش آگاه، در طریقه خود بینا و نسبت به قضیه‌اش کاملاً مطلع بوده و از زمان تأسیس خود با ثباتی بی‌نظیر، بدون آن‌که در برابر طوفان‌ها خم شود، به مسیرش ادامه داده است.

حزب‌التحریر، حزب مبدای و اصول‌محور است؛ اسلام، اساس آن است و سیاست، کار آن. این حزب غایت خود را احیای دوباره زندگی اسلامی از طریق برپایی دولت خلافت اسلامی قرار داده و تمامی ایده‌ها، افکار، دیدگاه‌ها، احکام و مواضع خود را از اسلام استخراج کرده است.

برای تحقق این هدف، حزب‌التحریر تصویری جامع و دقیق از جنبه‌های مختلف زندگی اسلامی و دولت خلافت اسلامی ارائه داده است. این موارد در ثقافت و نشرات حزب مشهود است تا جایی که نظام اقتصادی اسلام، نظام اجتماعی اسلام، نظام حکمرانی، سیاست آموزشی، ساختار دولت و نهادهای داخلی و خارجی آن و بسیاری موضوعات دیگر که برای ایجاد یک زندگی کاملاً اسلامی ضروری است، طرح نموده‌است.

با این تصور بسیار شفاف و واقعیتی که حزب التحریر در صدد تحقق آن است، این حزب تصویری از بزرگترین پروژه اسلامی ارائه داده است. این همان چیزی است که بسیاری از جماعت‌ها و حرکت‌های اسلامی فعال در عرصه از آن بی‌بهره بوده‌اند؛ چراکه این گروه‌ها تنها به طرح شعارهایی مبهم و طریقه‌های خود اختراعی بسنده کرده‌اند، و تصورات آن‌ها اغلب تحت تأثیر واقعیت‌های معاصر بوده است. این امر تناقضات آشکاری را در بخش‌های مختلف آن‌ها به وجود آورده که به‌وضوح نمایان است.

اما حزب التحریر بر خلاف این جریان‌ها، تصویری جامع و کامل از زندگی اسلامی و دولت اسلامی ارائه کرده است و تمامی این تصورات برگرفته از قرآن، سنت و آنچه از اجماع صحابه و قیاس شرعی استنباط شده، می‌باشد.

بهرآستی می‌توان گفت که مسیر امروز امت، همان مسیری است که حزب التحریر آن را با پروژه ربانی دست داشته‌اش و بر اساس همان پایه‌های دعوتی که رسول الله صلی الله علیه وسلم بنای آن را نهاده است، هدایت می‌کند. این پایه‌ها عبارت‌اند از عقیده به‌عنوان اساس فکری برای تمامی ایده‌ها و افکار، دولت اسلامی به‌عنوان تنها طریقه ممکن برای تطبیق مبدأ اسلام و اجرای اصول اسلام، و جهاد به‌عنوان تنها طریقه شرعی برای حمل اسلام به سوی جهانیان.

این سه رکن: عقیده، خلافت و جهاد، ثمره فرایند ذوب افکار و عقاید (همه‌جوشی) است که عبارت از پروژه حزب در میان امت می‌باشد.

حزب التحریر مسیری طولانی را پیموده است که امت اسلامی در طی آن، بازگشتی نیکو و شایسته را تجربه کرده است. پس از تکان‌های شدیدی که امت را تحت تأثیر قرار داد و رخدادهایی که احساس فکری امت را نسبت به واقعیت حکام خائن برانگیخت، همچون حادثه طوفان مسجدالاقصی که مسلمانان را به اهمیت شکستن مرزهای ملی و سرنگونی حکومت‌هایی که مانع از ایفای نقش ارتش‌های امت در نصرت و یاری رساندن به اهل ما در غزه هاشم به‌طور خاص و فلسطین به‌طور عام شده‌اند، آگاه ساخت.

در این مقطع، امت اسلامی آغاز به همراهی با حزب التحریر در طلب نصرت از مخلصین در ارتش‌های اسلامی کرد تا اسلام را با اقامه دولت خلافت راشده، که وعده استقرار آن در بیت‌المقدس داده شده است، تمکین دهند. آمادگی مسلمانان، عزت آن‌ها و انسجام‌شان با فعالان در راه اقامه خلافت اسلامی اکنون بیش از هر زمان دیگری است؛ زیرا دیگر خطابه‌های فریبکارانه و آکنده از دروغ حکام بر آن‌ها تأثیری ندارد.

همچنین، دیگر دیدگاه‌های احزابی که بار سنگینی بر دوش امت اسلامی در مسیر تغییر و پیشرفت بودند، اعتباری نزد امت ندارند؛ چراکه این دیدگاه‌ها دیگر با واقعیت حال حاضر امت سازگار نیستند. طبیعی بود که این احزاب به دلیل ورشکستگی فکری و پروژه‌های ترکیبی و بی‌ریشه خود تأثیرشان را بر امت از دست بدهند؛ زیرا در واقع هیچ پروژه اسلامی واقعی را در اختیار نداشتند!

ما بر این باوریم که حزب التحریر بهترین رهبر و راهنمایی است که می‌توانیم پشت سر آن حرکت کنیم، چراکه به درستی، استواری و اصالت آن‌چه ارائه می‌کند ایمان داریم. از این رو، همه فرزندان امت اسلامی را دعوت می‌کنیم که این حزب را در آغوش بگیرند و با آن همکاری کنند تا ارتش‌ها را برای تکمیل نبرد سرنوشت‌ساز، که قهرمانان غزه هاشم در سرزمین مبارک فلسطین آغاز کرده‌اند، به حرکت درآورند و دولت خلافت راشده دوم بر منهج نبوت را، که وعده استقرار آن در بیت‌المقدس داده شده است، برپا سازند. چنان‌که آمده است: «فَتَمَّ عَقْرُ دَارِهَا، وَلَا يَخْرُجُ مِنْ قَوْمٍ فَيَعُودُ إِلَيْهِمْ...»؛ آنجا مقر نهایی آن خواهد بود و از هیچ قومی خارج نمی‌شود تا دوباره به آن‌ها بازگردد. «این پادشاه رحمان در آخر الزمان است. پس ای شریف‌ترین فرزندان امت اسلامی، شایسته این فضل و شرف باشید!

برگرفته از شماره 458-459 مجله الوعي - سال سی و نهم، ربیع الاول - ربیع الثانی 1446 ه.ق، مصادف با اکتبر -  
نوامبر 2024 میلادی

نویسنده: رمزی راجح - ولایه یمن